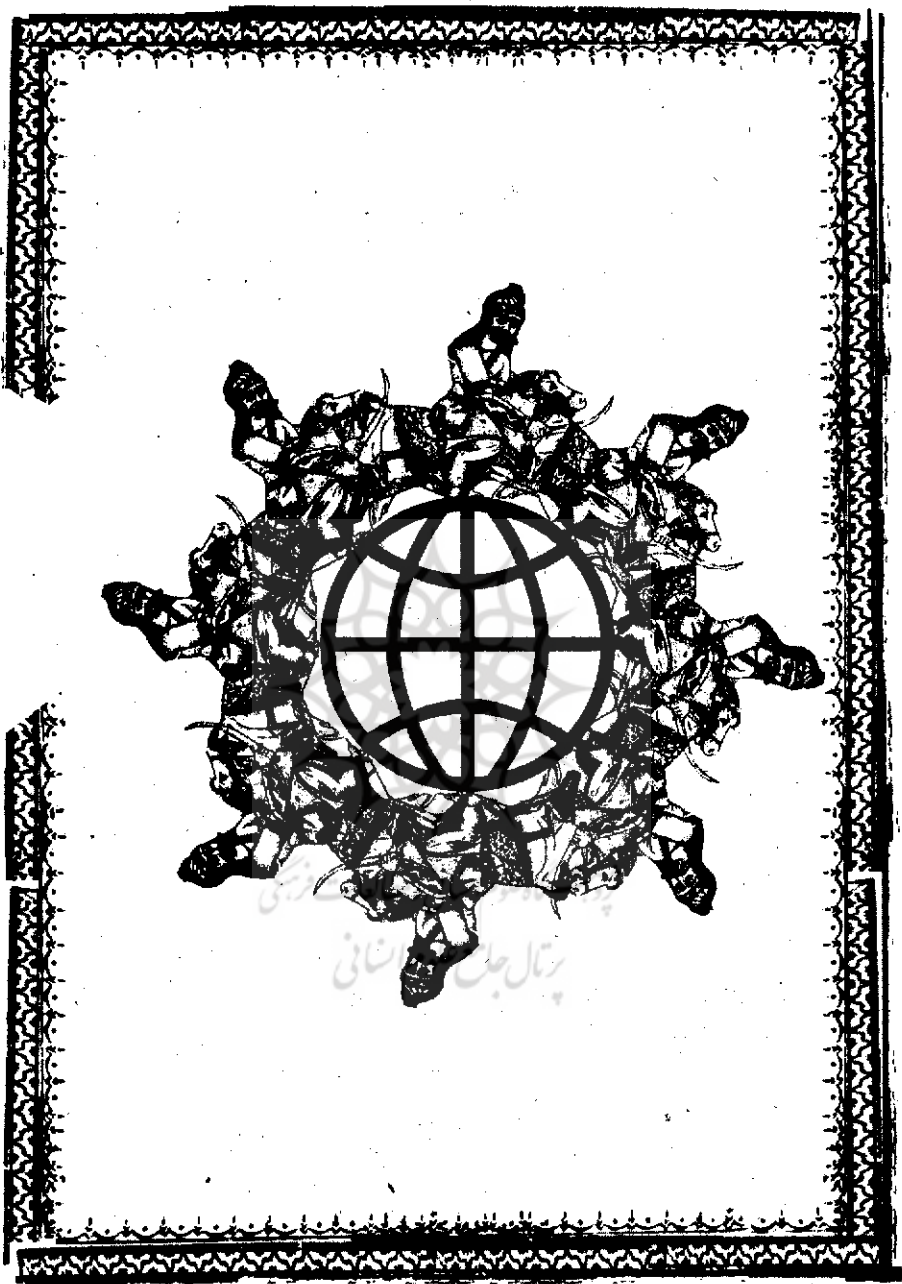


پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

www.

www.iranicaonline.com



گستره اسطوره

محمدجواد انصاری فر

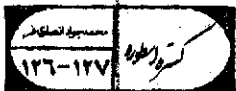
کتاب گستره اسطوره مجموعه گفت‌وگوهای محمدرضا ارشاد با مؤلفان و مترجمانی است که در زمینه اسطوره و فرهنگ، تلاش نوشتاری و تحقیقاتی داشته‌اند. این کتاب در سال ۱۳۸۲، از سوی انتشارات هرمس، به بازار کتاب عرضه شده است. این گفت‌وگوها متناسب با تخصص و زمینه فکری مصاحبه‌شونده، با رویکردهایی از قبیل فلسفه، روانکاوی، مردم‌شناسی، دین و... تنظیم شده است.

• در گفت‌وگوی نخست، تحول اسطوره‌های ایرانی مورد بحث قرار گرفته است. اسماعیل پور اساطیر ایرانی را میراث مشترک اساطیر هند و ایران، هند و اروپا می‌داند و آن را به سه دوره تقسیم می‌کند:

۱. دوره باستان که شامل اساطیر اولیه، میتراپی و زرتشتی است؛
 ۲. دوره میانه که شامل اساطیر زروانی، زرتشتی و مانوی است؛
 ۳. دوره جدید که از شکست ساسانیان و ورود اسلام به ایران آغاز شده است.
- تأثیر اسطوره‌های مانوی بر فرهنگ ایرانی - اسلامی، بیش از اساطیر زرتشتی است و این به دلیل دلالت عرفانی اساطیر مانوی است. از سویی، هبوط، نجات و رستگاری روح نیز از مسیحیت به عرفان اسلامی وارد شده است.

اسماعیل پور در پایان‌نامه دکترای خود، با نام اسطوره آفرینش در آیین مانی، ترجمه کتاب‌هایی با نام‌های هنر مانوی، زبور مانوی، آیین کنونی و مانوی را نیز عرضه کرده است. از دیدگاه او، اساطیر زرتشتی تأثیر بسیاری بر اساطیر مانوی داشته‌اند و در برابر اساطیر یونان تأثیری مستقیم بر اساطیر ایرانی نداشته‌اند و میان برخی از اساطیر یونانی و ایرانی، تنها اندکی شباهت یافت می‌شود.

۱. برای نمونه، میان پادشاه آشور و چشم سفندیار که نقطه آسیب پذیر این پهلوانان اساطیری است می‌توان نقطه اشتراکی یافت.



از دیدگاه او، در فلسفه اشراق سهروردی، عقل سرخ و آواز پر جبرئیل از اساطیر دوره سوم، یعنی پس از ورود اسلام به ایران هستند. اسطوره سیمرخ در منطق الطیر عطار یا حی بن یقظان، اثر ابن سینا نیز چنین است. از نظر هاتری کریز، بینش فلسفی و عرفانی اسماعیلیه و اخوان الصفا ادامه نگرش مزدایی و اسطوره‌های ایران است.^۲

● در گفت‌وگوی دوم، اسطوره‌های عقل مدرن مورد بررسی قرار گرفته است. عقل مدرن با افسون‌زدایی و اسطوره‌زدایی بنیان نهاده شده؛ اما با زاده شدن ایدئولوژی‌های مدرن، مانند نازیسم، فاشیسم و استالینیسم، قهرمانانی چون هیتلر و استالین شخصیتی اسطوره‌ای یافتند که مکتب فرانکفورت از آن، به شخصیت اقتدارطلب یاد می‌کند. فرانکفورتی‌ها با نقد ایدئولوژی‌ها و اسطوره‌های مدرن، در پی آرمان‌شهر و اتوپیا هستند که البته تعریفی از آن ارائه نمی‌دهند. پل ریکور نیز به اسطوره‌های شر در جهان مدرن توجه دارد. او در کتاب شر و سیاست می‌گوید:

چگونه می‌توان از عقلانی‌ترین شکل واقعیت - ایدئولوژی‌های مدرن - شاهد مخوف‌ترین نوع بشر بود؛ مثلاً ایدئولوژی نازیسم یا استالینیسم عقلانی‌ترین شکل سیاست هستند؛ اما مخوف‌ترین شکل شر را نیز پدید می‌آورند.

این گفت‌وگو در قیاس با گفت‌وگوی ابتدایی کتاب، کم بهره است؛ زیرا طرف گفت‌وگو در بیشتر کتاب‌هایش، از مدرنیته یاد می‌کند و حامی راه و روش عقلانیت مدرن غربی است. طبیعت، هم‌سو و هم‌جهت با عقل مدرن حرکت می‌کند و در نتیجه، با اندیشه اسطوره‌های و جهان اسطوره، آشنایی زیادی برقرار نمی‌کند.

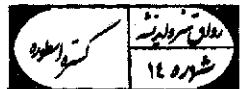
● گفت‌وگوی سوم، با نام از هند تا پسامدرن، با داریوش شایگان و هوشنگ رهنما انجام شده است. شایگان را با کتاب ادیان و مکاتب فلسفی هند می‌شناسیم. او در کتاب‌های بت‌های ذهنی و خاطره ازلی و افسون‌زدگی جدید به اسطوره می‌پردازد. از دیدگاه او، بخش مهمی از تفکر هندو، اسطوره‌های است و در هند، اسطوره و فلسفه به هم درآمیخته‌اند. از نظر او، اسطوره همواره شاعرانه است و به زبان شعر بیان می‌گردد. وی، به نطق سن ژون پریس در هنگام دریافت جایزه نوبل، اشاره می‌کند که گفت:

امروز، شاعران همان نقشی را ایفا می‌کنند که عارفان در عصر اسطوره‌ها.

وجه ممیز اسطوره از فلسفه، بُعد نمادین و شاعرانه اسطوره است. از دیدگاه شایگان، اسطوره‌های هند زنده‌اند؛ اما اساطیر یونانی مرده‌اند. هند سرزمینی اسطوره‌های است و می‌توان همه مفاهیم فلسفی هند را با اسطوره بیان کرد.

جهان‌بینی و تفکر هندی رمز بیان تخیل و تعقل را درآمیخته است و به همین دلیل، فلسفه و اسطوره در هند، غیر قابل تفکیک هستند. از نظر شایگان، ایرانیان نیز در جهان اسطوره‌های و شعر

۲. مرحوم دکتر مهرداد بهار، بر خلاف اسماعیل پور، اساطیر ایرانی را متأثر از بین‌النهرین و اساطیر عیلام و بابل می‌داند و ریشه اساطیر ایرانی را هند و اروپایی نمی‌داند. از جمله کتاب‌های دکتر بهار، پژوهشی در اساطیر ایران و تخت جمشید را می‌توان نام برد.



هستند و از این روی، به شاعران خود وجهی اسطوره‌ای می‌بخشند و از نقد حافظ، سعدی و مولانا پرهیز دارند. از دیدگاه شایگان، ما باید فرهنگ خویش را ابرکتیویته کنیم؛ یعنی با نگاهی بیرونی، آن را به مثابه یک واقعیت، نظاره و نقد کنیم و از حالت خود شیفتگی به درآییم.

• گفت‌وگوی چهارم، با نام اسطوره در گفت‌مان روانکاوی، با محمد صنعتی، روان‌پزشک و نویسنده کتاب‌های تحلیلی‌های روان‌شناختی در هنر و ادبیات و زمان و نامیرایی در سینمای تارکوفسکی انجام شده است.

از دیدگاه دکتر صنعتی، اسطوره باید با اندیشه غیراسطوره‌ای و علمی و تجربی شناخته شود. فرهنگ غرب از سویی، به اسطوره زدایی پرداخت و از سوی دیگر، اسطوره‌پردازی تجدید حیات یافت. با پیشرفت‌های علمی، رابطه‌ای تازه میان اسطوره‌ها و واقعیت‌های تازه و علمی پدید آمد و اسطوره‌ها بر اساس نیازهای اجتماعی و کارایی آنها، روزآمد شدند. در نتیجه، نوعی بازی رفت و برگشت در دنیای اسطوره و دنیای مدرنیته اتفاق افتاد. افلاطون این بازی دوراهه اسطوره‌زدایی و اسطوره‌پردازی را با اساطیر یونانی آغاز و فروید نیز آن را تکرار کرد. از سویی، فروید آن‌قدر مجنوب اسطوره‌آدیب است که همه رفتارهای انسانی را به ادیب ارجاع می‌دهد و از سویی، به آسیب‌شناسی ادیب، به مثابه عقده و اختلال می‌پردازد و اسطوره زدایی در اندیشه فروید، به خوبی دیده می‌شود.

البته در مقام مقایسه، فروید بیشتر اسطوره‌برانداز است و یونگ اسطوره‌پرداز. کهن‌الگویی که یونگ بیان می‌کند، شبیه مثل افلاطونی است و نوعی بازاسطوره‌پردازی است. فروید و یونگ، به تبعیت از ویکو، اسطوره را در چهارچوب تاریخ تعریف می‌کنند و تاریخی‌گری را در تحلیل اسطوره به کار می‌گیرند. ویکو زبان شعر را برخاسته از اسطوره می‌داند. ویکو از مهم‌ترین اندیشمندان عصر روشنگری و اسطوره‌ستیز است.

در نیمه نخست قرن نوزدهم، آرای رمانتیک‌ها و به ویژه شلینگ در زمینه اسطوره، نقطه عطفی بود. از دیدگاه شلینگ، اسطوره پدیده‌ای زیبایی‌شناختی است. شلینگ، هنر و زیبایی‌شناسی را جوهر اصیل زندگی انسان و راه رسیدن به مطلق می‌داند و اسطوره را در مرکز این سامانه زیبایی‌شناختی قرار می‌دهد و آن را ضرورت هنر می‌داند. در نظر شلینگ، اسطوره شعر مطلق است؛ ماده جاودانه‌ای که همه فرم‌ها از آن برمی‌خیزند. اسطوره ماده ازل یا پدیده آغازین یا دنیای تصویرهای نخستین است.

رمانتیک‌ها تفسیرهای تمثیلی درباره اسطوره را رها کرده بودند و به جنبه‌های نمادین آن توجه داشتند؛ مانند شلینگ که بر همه نظریه‌های نمادین درباره اسطوره، از جمله نظریه روانکاوی تأثیر داشت. تأثیر شلینگ بر ارنست کاسیرر و فرم‌های سمبلیک او مستقیم‌تر است. شلینگ بین نماد - شماتیسیم و تمثیل تمایز قایل می‌شود. در شماتیسیم، از کل به جزء می‌رسیم؛ ولی در تمثیل، از

جزء به کل. این دو مانند تز و آنتی‌تز عمل می‌کنند تا سنتز آنها که نماد است، به دست آید؛ سنتزی که بی‌همتا و مطلق است و در آن، جزء و کل قابل تمییز نیستند. از دیدگاه شلینگ، نمادپردازی اصل بنیادین اسطوره است. در روانکاوی نیز نمادپردازی یکی از مکانیسم‌های اساسی رؤیا و اسطوره‌ها است.

از نظر شلینگ، در اسطوره، جزء و کلی مطرح نیست؛ چون هر جزء باز نمود کل است. بنابراین، اسطوره معانی متعددی دارد؛ یکی از آنها معنای تمثیلی است که وجه مشترک دیگری با روانکاوی است و در آن، هر رؤیا، افسانه، قصه‌های پریان یا اسطوره‌ای می‌تواند از تفسیرهایی پر شمار برخوردار باشد.

شلینگ اسطوره‌های یونانی را نمادین، اسطوره‌های هندی را تمثیلی و اسطوره‌های ایرانی را شماییک می‌داند. همچنین او میان اسطوره‌های غرب و شرق، تفاوت قایل بود. از نظر شلینگ، اسطوره‌شناسی یونانی رئالیستی و اسطوره‌شناسی شرقی ایده‌آلیستی است. در اسطوره‌شناسی مسیحی، انسان شدن خدا اهمیت دارد و خدا در هیئت مسیح، به زمین می‌آید؛ ولی در اسطوره‌شناسی شرقی، انسان است که در آسمان، به خدا می‌رسد.

با نزدیک شدن به قرن بیستم، نیچه توجه فلسفه را به اسطوره بازگرداند و فروید و تمامی جنبش روانکاوی، ریشه‌های اسطوره را در ناخودآگاه و عواطف انسان یافتند؛ اسطوره‌هایی که باید از آنها آگاه شد.

در میان هنرمندان قرن بیستم، برخی به اسطوره‌زدایی پرداختند؛ مانند جیمز جویس و فدریکو فلیینی. برخی دیگر نیز به اسطوره روی آوردند؛ مانند توماس مان، ژان کوکتو و پازولینی. قرن بیستم را می‌توان عصر آگاهی از اسطوره‌ها دانست.

● گفت‌وگوی پنجم، با نام *از اسطوره تا تراژدی فلسفه*، گفت‌وگویی است با مراد فرهاد پور. این بخش، در قیاس با گفت‌وگوی پیشین، بیشتر به کلیات فلسفه و فرهنگ در یونان باستان اختصاص یافته و کمتر به مباحث اسطوره‌شناسی پرداخته است.

در ابتداء فرهاد پور به سخن بورکهارت که سه عامل دولت، فرهنگ و دین را تمدن‌ساز می‌داند، اشاره می‌کند و برجسته شدن عامل فرهنگ را موجب شکوفایی فلسفه در یونان و اقتدار دولت در ایران، موجب عدم تحول و رشد فرهنگ، هنر و فلسفه در ایران باستان می‌داند که از آن، با نام *استبداد شرقی* یاد می‌شود. از عوامل عدم تمرکز و اقتدار دولت در یونان باستان، کثرت دولت — شهرها در یونان و جغرافیای بحری یونان است که فرهنگ دریانوردی را در پی داشت. وی مراحل تحول بشری را جادو، اسطوره و سپس فلسفه و متافیزیک و تکنولوژی برمی‌شمارد. در مرحله جادو، انسان و طبیعت قربانت دارند؛ ولی پس از مرحله اسطوره‌های که عقل انتزاعی کلیات را می‌سازد، غلبه بر طبیعت از سوی انسان آغاز می‌شود. آن‌گاه نوعی رابطه خشونت‌آمیز میان

انسان و طبیعت شکل می‌گیرد که به عقلانیت ابزاری و تسلط تکنولوژی منتهی می‌گردد. در این هنگام است که انسان از طبیعت جدا می‌شود.

تراژدی، انسان یونانی را به سمت مرگ و نیستی برد و وی را با مرگ رو به رو ساخت. سپس از دل این مرگه شکلی تازه از زندگی را بازآفرید که به سازماندهی نوین جامعه برمی‌گشت. تراژدی موجب انتقال انسان یونانی از گفت‌وگو با مرگ، به گفت‌وگو با دولت — شهر گردید. همچنین تراژدی برای انسان یونانی، موجب فردیت گردید و فردیت موجب دموکراسی، گفت‌وگو و فلسفه در یونان شد.

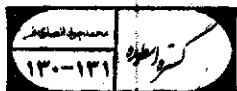
● گفت‌وگوی ششم، با نام *از اسطوره تا جشن*، با ناصر فکوهی انجام شده است. برداشت اسطوره‌شناسانی چون میرچا الیاده این است که ریشه جشن‌ها در یک اندیشه اسطوره‌ای است و اسطوره‌ها بازتاب گذشته بسیار دوری هستند که در دسترس ما نیست و جشن، تکرار آن گذشته دور و زمان آغازین آفرینش است.

امیل دورکهمیم در کتاب *صور ابتدایی حیات دینی*، بر مفهوم جشن تأکید می‌ورزد. دورکهمیم آغازگر دیدگاه انسان‌شناختی درباره جشن و آیین است. ناصر فکوهی، با توجه به تخصصش در رشته انسان‌شناسی، اسطوره را از این منظر مورد بررسی قرار می‌دهد. فکوهی به آرای میرچا الیاده، مایینوفسکی، لوی اشتراوس و آرای که در انسان‌شناسی و مردم‌شناسی، در زمینه اسطوره، مناسک و جشن مطرح است، اشاره می‌کند و آن را مورد بحث قرار می‌دهد.^۲

فکوهی در کتاب *اسطوره‌های سیاسی*، اشاره می‌کند که جشن در دنیای مدرن، به صورت انقلاب اتفاق می‌افتد و انقلاب فرانسه در دوران روشنگری، جشنی بود که نشانگر یک واژگونی و تحول بود. به نظر پژوهشگران و اسطوره‌شناسانی چون امیل بنونیت و ژرژ دومنریل، جشن مراسمی است که در آن، زمان تکرار شده است؛ زمانی که انسان‌ها از حالت آشوب بیرون می‌آیند و وارد جهان هستی می‌شوند. در واقع، جشن نوعی نقطه صفر، تعلیق، توقف، تغییر زمان و مکان و شخصیت انسان‌ها و معانی و مفاهیم است. جشن، آغازی پس از یک پایان است. جشن، نوعی شکستن نظم موجود، به طور موقت است؛ به گونه‌ای که انسان‌ها بتوانند در این مدت موقت، غرایز خویش را تخلیه کنند و آمادگی دوباره برای پذیرش نظم بیابند. در مدت کوتاه جشن، افراد می‌توانند درک کنند که نظم اجتماعی تا چه حد برایشان لازم است.

● گفت‌وگوی بعدی، با نام *اسطوره‌اندیشی جماعت‌ها*، با حسن قاضی مرادی انجام شده است. در ایران، اسطوره‌های ساکنان بومی، پیش از ورود آریایی‌ها که تحت تأثیر اساطیر بین‌النهرین بود، با اساطیر اقوام هند و اروپایی مهاجر به ایران درهم آمیخت و بینشی اسطوره‌ای را بی‌افکند که بعدها، به دست زرتشت، به سطح دین اعتلا یافت. زرتشت مفهوم خدای واحد مجرد و انتزاعی — *اهورامزدا* — را برای ایرانیان قابل درک گرداند.

۳. مانند آرای افشادی چون جیمز فریزر، مؤلف کتاب *شاخه زریز*.

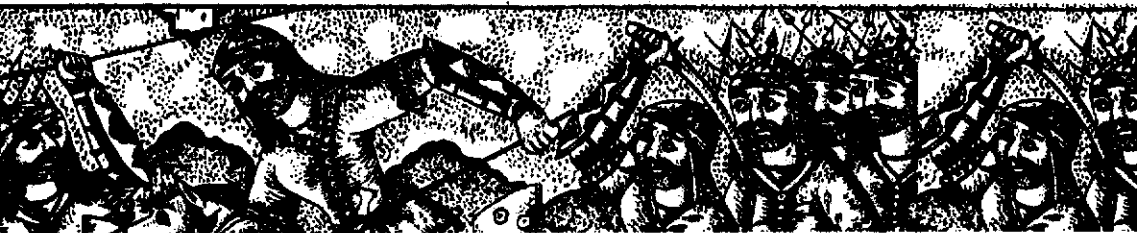




خدایان اسطوره‌های در تاریخ اسطوره ایران، به شاهان اسطوره‌های بدل می‌شوند و تقدس و قدرت تام و مطلق آنان به شاهان انتقال می‌یابد. نقش خدایان در اساطیر یونان، تا حدی به شاهان اسطوره‌های ایران داده شده است و در آنان، وحدت دین و پادشاهی وجود دارد. این نکته در کتاب‌هایی چون *کارتامه اردشیر پاپکان* و *سیرالملوک خواجه نظام‌الملک*، کاملاً مشهود است. شاهان ساسانی از فرقه ایزدی مشروعیت می‌یافتند. *داریوش هخامنشی* در کتیبه بیستون، خود را برگزیده اهورامزدا می‌خواند. فرقه ایزدی معرف وحدت دین و پادشاهی است و در یک تن، به نام شاه — موبد تجلی می‌یابد. این فرقه پس از ورود اسلام به ایران، به صورت *ظل الله* بودن شاهان، سلطنت مطلقه ایشان را توجیه می‌کرد. در این دوران، سیاست‌نامه‌ها عموماً به توجیه حکومت استبدادی می‌پردازند؛ از جمله *نصیحت‌الملوک*، اثر *امام محمد غزالی* که بر همین سیاق است. پایان سخن اینکه اندیشه اسطوره‌های متعلق به جماعت است، نه فرد و انسانی که بر اساس اندیشه اسطوره‌های می‌اندیشد و عمل می‌کند. پس اندیشه اسطوره‌های از هویتی توده‌وار برخوردار است، نه هویت فردی.

● گفت‌وگوی بعدی با *جلال‌الدین کزازی* و با نام *پدیدارشناسی اسطوره انجام شده است*. از دیدگاه کزازی، پدیدارشناسی گونه‌ای شناخت است به نام *دل‌آگاهی* که استوارترین شناخت است و می‌توان آن را راست‌باوری یا *حق‌الیقین* نامید. این گونه شناخت که با ذات پدیده‌ها روبه‌روست، در برابر شناخت از طریق داشتن — *علم‌الیقین* — و شناخت از راه چشم — *عین‌الیقین* — قرار می‌گیرد و از آن دو گونه برتر است. بدین سان، شناخت اسطوره‌های بر پایه پدیدارشناسی است و شناسنده و موضوع شناخت و جهان بیرونی یکی است و مرزها برداشته شده است. شناخت اسطوره‌ای در میانه خودآگاهی و ناخودآگاهی است. به همین دلیل، سایه‌روشن است و در میانه تاریکی، روشنی است.

کزازی، بر خلاف دکتر شایگان و دکتر صنعتی، جهان اسطوره و شناخت آن را درونی و خودبسته می‌داند و نگاه بیرونی و فاصله‌دار به آن را از طریق شناخت عقلی — علمی مدرن،





لغزنده و بر خطا می‌داند. ازدیدگاه کزازی، اسطوره هم‌پایه فلسفه و دانش است و تنها شیوه شناخت اسطوره‌های متفاوت است. درونی‌ترین شیوه در شناخت‌شناسی، اسطوره‌های است و بیرونی‌ترین شیوه در شناخت‌شناسی، علمی و سپس فلسفی است. روند اندیشه و آگاهی از اسطوره به دانش، گذاری است از انسان به جهان؛ از درون به بیرون؛ از آسمان به گیتی و از روان به ماد. کزازی، برخلاف قاضی مرادی، معتقد است که هر چه انسان از فردیت خویش گسیخته و به جمعیت پیوسته است، از شناخت اسطوره‌های به شناخت علمی نزدیک می‌گردد. از نظر کزازی، نقش مادر و رابطه او با فرزند اسطوره‌ای، نمادین، درونی و بر پایه نیاز زیستن است؛ ولی پدر و رابطه او با فرزند پیوندی است آگاهانه و بر پایه آموزش. مادر میانجی کودک با فردیت اوست و پدر میانجی اوست با جامعه. مادر کودک را به پیشینه زیستی، تاریخی و ناخودآگاهی او پیوند می‌دهد؛ اما پدر کودک را با رویه‌ها و خودآگاهی‌ها پیوند می‌دهد. از این رو، کهن‌ترین خدایان اسطوره‌های مادینه هستند و مادر به گونه‌ای نمادین، یادآور روزگاران اسطوره‌ای است و پدر باز نمود چیره شدن فرهنگ بر اسطوره، فرهنگ بر زیست، جمعیت بر فردیت و برون بر درون است.

● اسطوره در فرهنگ مردم، گفت‌وگوی بعدی است که با کتایون مزداپور انجام شده است. از دیدگاه وی، اساطیر ایرانی تهذیب شده و ویرایش شده‌اند و این امتیاز وجه افتراق اسطوره‌های ایرانی از اسطوره‌های دیگر نقاط جهان است. وی مرز میان اسطوره و فرهنگ را قداست اسطوره می‌داند. اسطوره گزارشی مقدس درباره امری مهم می‌دهد. اسطوره نقش و کنشی آیینی و اجتماعی دارد و در آن، نکاتی مانند زمان نخستین یا پایان زمان و هستی مطرح می‌شود؛ ولی فرهنگ عامه کمتر به این مسائل می‌پردازد. نوروز و دیگر جشن‌های باستانی و نیز مراسم سوگواری و باورهای مربوط به زورخانه‌ها، سقاخانه‌ها و انواع زیارتگاه‌ها و آداب زیارت از جمله آیین‌ها و باورهای اسطوره‌ای است که در فرهنگ عامه دیده می‌شود.

● گفت‌وگوی دهم با مصطفی ملکیان و با نام اسطوره، قصه‌های رمزی و بُعد شاعرانگی دین، انجام شده است. از نظر ملکیان، گاهی مراد از اسطوره، داستانی است دارای خاستگاه و منشأ





نامعلوم و روشن نیست که سازنده داستان و اسطوره، به لحاظ تاریخی کیست. در این معنا، اسطوره‌ها منشأ پیشامدهای تاریخی هستند و خاستگاه این اسطوره‌ها پس از تاریخ نیست. این اسطوره‌ها پیش از پیدایش خط و کتابت، سینه به سینه نقل شده‌اند و بعدها، به صورت مکتوب درآمدند. گاه نیز اسطوره‌ها سازنده و پردازنده معین و معلومی دارند؛ مانند داستان‌های شیخ شهاب‌الدین سهروردی و داستان‌های بن یقطان، نوشته ابن سینا. در صورت نخست، اسطوره حکایت از واقعه‌ای تاریخی دارد و در معنای دوم، حقیقتی را رمزگونه بیان می‌کند؛ اما در هر دو صورت، در اسطوره، معنایی تمثیلی، مجازی، کنایی، استعاری و رمزی وجود دارد. از دیدگاه وی، اسطوره‌ها برای انسان سنتی و پیشاتجدد، غالباً معانی حقیقی نیز داشته‌اند. اسطوره‌های ماندگار حاکی از افکار و امیال بسیار عمیق انسان‌ها هستند. از دیدگاه وی، انسان پیشاتجدد سعی در تغییر خود دارد و انسان متجدد برای انطباق جهان با خویش، در کار تغییر جهان است. به همین دلیل است که در دوره سنتی، علوم تجربی رشد نمی‌کنند؛ ولی در دوره تجدد، شکوفایی می‌شوند. برای انسان پیشاتجدد، علمی که تغییری در خود انسان ایجاد می‌کردند، بیش از علمی که جهان را تغییر می‌دادند، محل توجه بودند.

پیشرفت علوم تجربی و علوم تاریخی سبب شده بسیاری از اسطوره‌هایی که در نظر انسان سنتی، می‌توانستند در معنای حقیقی اخذ شوند، هم‌اکنون به معناهای رمزی، مجازی، استعاری، تمثیلی و کنایی بدل شوند؛ مانند طبقات هفت‌گانه آسمان که امروزه از آنها، معنای رمزی و تمثیلی فهمیده می‌شود.

● اسطوره، اینگولوتزی و روشنفکری، عنوان گفت‌وگوی دیگری است که با یل‌الله موقن، مترجم آثار ارنست کاسیرر، از قبیل اسطوره دولت، فلسفه، روشنگری و اندیشه اسطوره‌ای انجام شده است. از دیدگاه موقن، تفکر غالب بر جوامع غیرغربی، از جمله جامعه ما، شیوه اندیشه اسطوره‌ای است.

ارنست کاسیرر از فیلسوفان نوکانتی بود که بر فلسفه فرهنگ تکیه داشت. او به همراه استادش،





هرمان کوهرن، مجموعه آثار کانت را در یازده جلد منتشر کرد. کاسیرر در کتاب اسطوره دولت، نقش اسطوره را در اندیشه سیاسی بررسی می‌کند و پیامدهای وخیم آن را برای فرهنگ و اخلاق، مورد تأمل قرار می‌دهد. مهم‌ترین اسطوره‌ای که در قرن بیستم سر برآورد، مارکسیسم بود که به مثابه یک ایدئولوژی، پیامدهای آن را شاهد بودیم. موقن بر خلاف کزازی، اندیشه اسطوره‌ای را در دنیای امروز منتفی می‌داند و آن را به مانند ارنست کاسیرر، در برابر اندیشه علمی قرار می‌دهد که از دوره روشنگری رواج یافت. به باور موقن، اسطوره‌های سیاسی قرن بیستم، از قبیل مارکسیسم تأثیری مخرب بر کشور ما داشته‌اند.

• گفت‌وگوی پایانی، با نام *روانکاوی و اسطوره*، یا *حورا یاوری* انجام شده است. وی به آرای فروید، یونگ و تراک لاکان اشاره می‌کند و ارتباط اسطوره و روانکاوی را مورد بررسی قرار می‌دهد. او به اسطوره ادیب فروید، اسطوره قهرمان در روانکاوی و نقش رؤیا و ناخودآگاه در اسطوره توجه می‌کند. در این گفت‌وگو، مباحثی مشترک با گفت‌وگوی دکتر صنعتی دنبال شده است. این دو گفت‌وگو اسطوره را با رویکرد روانکاوی مورد بررسی قرار می‌دهند.

در نهایت

این کتاب در حوزه اسطوره‌شناسی، یکی از بهترین و عمیق‌ترین کتاب‌هایی است که تاکنون منتشر شده و اطلاعاتی وسیع با رویکردهای متنوع و متفاوت روانکاوی، انسان‌شناسی، دین‌پژوهی، فلسفی، پدیدارشناسی و... درباره اسطوره، به خواننده عرضه می‌دارد. این نوشته تنها خلاصه و معرفی نام‌های از این کتاب و گفت‌وگوهای آن بود و نقد سیر گفت‌وگوها و آرای مدعوین گفت‌وگوها نیازمند مجال دیگری است.

خواندن این کتاب را به علاقه‌مندان مباحث اسطوره‌شناسی پیشنهاد می‌کنیم.

